

## مروری بر مضامین الواح خطاب به یاران پارسی و سوابق تاریخی پارسیان در ایران \*

ع. صادقیان

### مقدمه

این مقاله مروری است بر مضامین الواحی که در کتاب "یاران پارسی - مجموعه الواح مبارکه جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء به افتخار بهائیان پارسی" درج شده است. این مجموعه توسط مرکز مطالعه نصوص و الواح در مرکز جهانی بهائی تدوین گردیده، در سال ۱۵۵ بدیع (۱۹۸۸ م) توسط مؤسسه مطبوعات امری آلمان منتشر شده، و مشتمل بر دو بخش است. بخش اول در ۶۱ صفحه شامل ۲۷ لوح از الواح حضرت بهاءالله میباشد. بخش دوم شامل الواح و مناجاتهای حضرت عبدالبهاء است. برخی از الواح مندرج در بخش اول قبلاً بطور پراکنده در مجموعه های دیگر از قبیل ادعیه محبوب، مجموعه الواح مبارکه (چاپ مصر) و دریای دانش به چاپ رسیده، ولی مجموعه حاضر شامل همه الواح حضرت بهاءالله خطاب به یاران پارسی است که تاکنون بدست آمده است. بنظر میرسد الواح حضرت بهاءالله خطاب به یاران پارسی باین تعداد محدود نباشد و احتمالاً الواح دیگری از این دست وجود داشته باشد که در آینده از نسخ رسیدگی نشده در مرکز جهانی یا آنچه در خانواده های بهائی باقی باشد، تدوین و منتشر گردد.

در صفحات بعد، شرایط سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی زردشتیان ایران قبل و بعد از ظهور حضرت بهاءالله، اقبال زردشتیان بامر بهائی، مخاطبان الواح نازله، برخی از عناوین مطالب مندرجه در الواح مزبور، زبان و لحن الواح، و مفاهیم استعاری در این آثار مبارکه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه پارسیان ایران از حمله اعراب تا ظهور حضرت بهاءالله

بعد از حمله اعراب به ایران و انقراض سلسله ساسانیان، مظاهر تمدن و فرهنگ ساسانی - زردشتی ایران به تدریج از بین رفت. زردشتیان ایران پس از این حمله ویرانگر، به سه گروه تقسیم شدند:

گروه اول که اکثریت جمعیت زردشتی ایران را تشکیل میدادند به تدریج اسلام را پذیرفتند و بجرگه مسلمین پیوستند. برخی از این گروه زبان عربی را فرا گرفتند و در سالهای بعد در دستگاه خلافت و حکومت به وزارت و صدارت رسیدند. جمعی دیگر از این گروه در رشته های فلسفه و علوم در دارالعلم های اسلامی که در قرنهای بعد بوجود آمد به تحقیق و تدریس و تتبع و تألیف کتب علمی

پرداختند و سهمی عمده در ایجاد مجموعه تمدن اسلامی بعهدہ گرفتند، که بسیاری از آنان بخطا بنام علمای عرب معروف شدند.

گروه دوم ترک یار و دیار گفتند و به هندوستان هجرت کردند و در آنجا سکونت گزیدند و به کار و زندگی مشغول شدند و مانعی هم برای اجرای مراسم و آئین های دینی خود نداشتند. اخلاف این گروه هم اکنون در هندوستان سکونت دارند.

گروه سوم کسانی بودند که در گوشه و کنار ایران با شرایط سخت زندگی را ادامه دادند و به آئین خود وفادار ماندند و با شرایط دشوار سنن و آئین های دینی خود را اجرا میکردند. این گروه کوچک که بر خلاف جریان آب شنا میکردند، مردمی بی پناه و مظلوم بودند که در طول بیش از یکهزار سال بارها مورد ظلم و جور و بیداد و قتل و غارت حکام خود کامه و ارادل و اوباش فرصت طلب قرار گرفتند.

پیر دولاول جهانگرد رومی در نامه مورخه دسامبر ۱۶۱۷ شرح مبسوطی در بی عدالتی ها و مظالم وارده به زردشتیان نوشته و متذکر شده است که بینوایان مسلمان نسبت به آنها (زردشتیان) توانگر محسوب میشوند. ۲

مادام منانت فرانسوی از قول دالبر که در سال ۱۶۶۵ م به ایران سفر کرده مینویسد: "زردشتیان بسیاری از نقاط مختلف ایران قبل از اینکه در گیرآباد پناه یابند نابود گردیدند." ۳  
یکی از جهانگردان به نام ژین چاردین که بین سالهای ۱۷۱۳ - ۱۶۴۴ به جهانگردی پرداخته، در مورد زردشتیان ایران مینویسد: "شمار اندکی از پارسیان باقی هستند. این ساکنین باستانی ایران که به آئین نیاکان خود وفادار مانده اند بواسطه تعصب (مسلمانان) نابود گشته و در دهات بیشماری در جنوب اصفهان که منزل و مأوای آنان بود در جنگ های داخلی ویران شده و عده معدودی از بازماندگان به اطراف یزد و کرمان پناه بردند. این جماعت بقدری بینوا هستند که در روز تاجگذاری پادشاه خود قادر به فرستادن هدیه برای سلطان خود نبودند." ۴

ادوارد براون، خاور شناس معروف انگلیسی که در سالهای ۸ - ۱۸۸۷ به ایران سفر کرده مینویسد: "در یزد و توابع آن ۷ تا ۱۰ هزار زردشتی زندگی میکنند که مورد اذیت و آزار و توهین هستند. اجازه ندارند بر اسب سوار شوند. ضمناً وقتی سوار الاغ میشوند اگر به مسلمانی برخوردند باید پیاده شوند." ۵

کنت گوینو که در سالهای ۵۸ - ۱۸۵۵ در ایران میزیسته مینویسد: "زردشتیان ایران به وضع اسفناکی میزیستند. علت آن محرومیت های کلی و فشار و ستمی بود که مسلمانان یا جدیدالاسلامها به آنها وارد میکردند. این جدیدالاسلامها از نزدیکان زردشتیان بودند که بیشتر آنها را مورد اذیت و آزار قرار میدادند و برآستی جماعت زردشتی به پرتگاه نیستی نزدیک شده بود." ۶

شاه عباس صفوی در سال ۱۶۲۵ م جمع کثیری از زردشتیان را از گوشه و کنار ایران به اجبار به اصفهان کوچانید و در قریه ای جدید الاحداث به نام گیرآباد یا گبرستان در کنار جلفای اصفهان اسکان داد. ۷

در زمان شاه سلطان حسین به فتوای علما بیست هزار نفر از زردشتیان را قتل عام کردند و بقیه به یزد و کرمان فرار کردند. ۸

در دوران صفویه زردشتیان کرمان را نیز در بیرون دروازه شهر بنام گبر محله مسکن دادند ... در حمله محمود افغان در سال ۱۷۲۰ م گبر محله به تصرف قوای افغان در آمد و محمود افغان شروع به

کشتن و غارت نمود و گبرمحل را ویران کرد. باقی مانده زردشتیان که حدود ۱۲ هزار نفر بودند با حالی پریشان بداخل حصار شهر پناه بردند. در آنجا نیز مورد حمله و تجاوز اشرار و الواط کرمان قرار گرفتند بطوریکه مالک جان و مال و ناموس خود نبودند و هر یک از اهالی هر نوع ظلم و تعدی که اراده مینمود به آنان روا میداشت.

در هجوم اشرف افغان در سال ۱۱۴۱ ه.ق. برای تسخیر یزد ابتدا تفت را به تصرف در آورد و فرمان قتل عام صادر نمود و گروه زیادی از زردشتیان نیز در آن گیر و دار از دم شمشیر گذشتند. ۹ وضع زردشتیان در دوران قاجار بهبود نیافت. آنان در کمال فقر و ذلت و مسکنت زندگی میکردند و هر طبقه از اصناف و بزرگان زردشتی دارای لباس و عمامه مخصوص بودند که بوسیله آن شناخته میشدند. رنگ لباس زردشتیان نخودی و سفید بود و حق نداشتند لباس نو و رنگین بپوشند و مخصوصاً کلاه برسر گذارند. لباس سیاه مخصوص مسلمانان بود. روزهای بارانی زردشتیان حق نداشتند از کوچه و بازار عبور نمایند زیرا در اثر تماس، بگمان مردم عامی، موجبات نجس شدن مسلمانان را فراهم میکردند. اقلیت زردشتی و کلیمی نمیتوانستند پای برهنه از بازار عبور نمایند، زیرا در اثر آب پاشی کف بازار و تماس پای زردشتیان که کافر محسوب میشدند زمین نجس میشد. خانه زردشتیان باید طوری ساخته میشد که نه تنها بلندتر از خانه مسلمان نبوده و به آن مشرف نباشد، بلکه آفتاب بطور مستقیم در آن نتابد و غالباً بصورت چهار صفا (چهار گوشه) و محصور و بدون نورگیر ساخته میشد. ساختن و استفاده از بادگیر در خانه زردشتیان ممنوع بود. زردشتیان حق نداشتند بوسیله کوزه آب از آب انبار عمومی به خانه خود ببرند، و الزاماً میبایستی از مشربه که ظرفی است مسی یا قرابه شیشه ای استفاده مینمودند، زیرا به عقیده عوام ترشحات کوزه موجب نجس شدن مسلمان میشد، و بدین ترتیب زردشتیان از نوشیدن آب خنک نیز محروم میگرددند. درهای ورودی خانه های زردشتیان یک لنگه بود تا از خانه های مسلمان تمیز داده شود. ۱۰ الواط و اشرار دختران زردشتی را میدزدیدند و بزور آنها را مسلمان میکردند و اگر پدر یا مادرشان فوت میکرد تمام مایملک او را به این دختر نومسلمان میدادند و به دیگر وارثان زردشتی حقی نمیدادند. یک نفر زردشتی حق ورود به مسجد مسلمانان را نداشت. ورود آنها به این اماکن به قیمت جانشان تمام میشد. اگر یک نفر مسلمان یک شخص زردشتی را میکشت یا مجازات نمیشد یا مجازاتش خیلی جزئی بود. اگر شخصی زردشتی مهمان شخصی مسلمان میشد، ظروفی را که او با آنها غذا خورده بود جدا میگذاشتند و جداگانه میشستند که سایر ظروف را نجس نکند. مسلمانان زردشتی ها را کافر و نجس، گبر، مجوس، آتش پرست و یا "گیرسگ" مینامیدند. ۱۱

عده زردشتیان در آغاز قرن هجدهم در ایران حدود یک میلیون نفر تخمین زده میشود. از آن زمان این تعداد بسرعت رو به تقلیل نهاد تا جایی که در زمان فتح علیشاه به ۵۰ هزار نفر و در زمان محمّدشاه به ۳۰ هزار نفر و در سال ۱۲۸۵ ه.ق. تعداد زردشتیان ایران به ۶۹۰۰ رسید. ۱۲

### موقعیت زردشتیان بعد از ظهور حضرت بهاءالله

جامعه زردشتیان ایران بهنگام ظهور حضرت بهاءالله جامعه ای بود که طی قرون متمادی بارها مورد قتل و غارت، ظلم و بیداد، و تحقیر و توهین حکام خودکامه و مردم جاهل قرار گرفته، حقوقش پایمال شده و در وضعیت رقت باری از فقر و ذلت و مسکنت قرار داشت.

زردشتیان طبق مندرجات کتب مقدسه خود منتظر ظهور موعود مزدیسنا بودند و اعتقاد داشتند که در آخرالزمان حضرت سیوشانس و شاه بهرام ورجاوند ظهور خواهند کرد. سیوشانس دارای فرّ کیانی است و غذایش از سرچشمه مینوی است. درمان کلیه دردهای جهان در دست اوست و از پیکرش چنان نوری پرتوفاکن شود که جهات شش گانه بسط زمین را نورانی نماید. روز ظهورش روز رستاخیز است. "آنگاه مردمان برخاستن آغاز کنند، جهان خوش و خرم شود و فیوضات الهی بر روی زمین استقرار یابد." ۱۳

جمال مبارک در آثار متعدد خطاب به این جامعه ستم دیده میفرمایند شب سیاه آنان بسر رسیده و با ظهور ایشان بد بختی و تیره روزی آنان پایان گرفته و در موارد متعدد این قوم مظلوم و مقهور را تسلی میدهند و به امر خود دعوت میفرمایند: "بی نیاز به آواز بلند میفرماید جهان خوشی آمده، غمگین مباشید. راز نهان پدیدار شده، اندوهگین مشوید." ص ۷ و نیز میفرمایند: "یا خسرو، ندای الهی را از جمیع جهات بشنو. الحمدلله زمستان تیره ظلمانی گذشت و بهار رحمت رحمانی عالم را بطراز جدید مزین نمود." ص ۵۹

### بهبود وضع جامعه زردشتی ایران بعد از ظهور حضرت بهاءالله

با ظهور حضرت بهاءالله شب تاریک و سیاه پارسیان پایان رسید و آفتاب جهانتاب ظهور جدید بیغوله های این قوم را روشن کرد. قومی که سیزده قرن دارای هیچ گونه حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی نبود و قرنهای متوالی مورد ظلم و تجاوز و آزار و تحقیر و توهین قرار گرفته بود. این قوم به اعتقاد بهائیان از برکت آثار غیر مستقیم ظهور جمال اقدس ابهی به تدریج دارای حقوق مساوی با دیگر شهر وندان ایرانی شد و از احترام و حیثیت انسانی برخوردار گردید و بعنوان وارث تمدن و فرهنگ درخشان ایران کهن مورد تجلیل و احترام قرار گرفت. این دگرگونی جامعه زردشتی ایران که مقارن ظهور حضرت بهاءالله آغاز شد به تدریج توسعه پیدا کرد و در دوره رضا شاه اوج گرفت. برخی از این تحولات مستقیماً مربوط به جامعه زردشتی ایران بود که میتوان آنها را چنین برشمرد:

۱- بعد از سیزده قرن انجمن اکابر زردشتیان هندوستان، در سال ۱۸۵۴ م یکی از شخصیت های دلسوز زردشتی بنام مانکجی صاحب را مأمور به ایران و سرپرستی جامعه زردشتی و رفع مشکلات و مظالم وارده بر پارسیان ایران کرد. وی دو بار به ایران سفر کرد و بار دوم تا آخر عمر در ایران سکونت گزید و اقدامات دامن داری در جهت رفع مشکلات زردشتیان ایران انجام داد.

۲- مانکجی صاحب پس از ۲۹ سال تلاش شبانه روزی و خرج مبالغ هنگفت در ایران، در سال ۱۲۹۹ ه.ق. موفق شد حکم لغو جزیه از زردشتیان ایران را از ناصرالدین شاه اخذ نماید. ۱۴

۳- با اقدامات مانکجی صاحب انجمن زردشتیان در یزد و کرمان تأسیس شد. در سالهای بعد، بموجب فرمانی از طرف ناصرالدین شاه این انجمن بنام "انجمن ناصری" ادامه یافت و اموال شخصیه زردشتیان برسمیت شناخته شد.

۴- در سال ۱۹۰۶ م، پس از صدور فرمان مشروطیت، بموجب قانون اساسی ایران، اقلیت زردشتی بعنوان یکی از اقلیت های رسمی کشور شناخته شد و یک کرسی در مجلس شورای ملی ایران به نماینده زردشتیان اختصاص یافت و ارباب کیخسرو شاهرخ به نمایندگی زردشتیان ایران در مجلس

انتخاب شد و ۹ دوره، تا آخر عمر، این سمت را بعهده داشت. وی سالها ریاست اداره کارپردازی مجلس را با کفایت و درایت بعهده داشت. از خدمات مهم وی تأسیس کتابخانه و چاپخانه مجلس بود. وی چهار مدرسه برای زردشتیان و دیگران در طهران تأسیس کرد. این مدارس تا امروز در ردیف مدارس ممتاز در طهران بکار مشغولند.

بجز مواردی که ذکر شد، بوسیله رضا شاه و دولت مردان ایران و مردم کشور به سائقه احساسات وطن پرستی و علاقه به اعتلاء و حیثیت ایران، اقدامات متعددی انجام گرفت که گرچه مستقیماً مربوط به جامعه زردشتی نبود، ولی همه آنها از آرزوهای یکهزارساله زردشتیان ایران بود که تحقق پیدا کرد. این اقدامات را اجمالاً میتوان چنین برشمرد:

انتخاب کلمه فارسی "پهلوی" برای نام خانوادگی رضا شاه - تبدیل تقویم قمری به فارسی و رواج ماههای شمسی فارسی بجای ماههای قمری - پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران باستان - تحصیل و تحقیق متون زردشتی و زبانهای ایران قبل از اسلام بوسیله پژوهشگران ایرانی و غربی و انتشار حاصل مطالعات آنان بصورت کتب و مقالات در مراکز علمی در ایران و غرب - زنده کردن جشن ها و آئین های باستانی ایران - اعلام نوروز به عنوان بزرگترین جشن ملی ایران و آغاز تقویم و سال شمسی - تجدید و تجلیل از جشن ها و مراسم ایران باستان از قبیل جشن سده، جشن مهرگان، چهارشنبه سوری و سیزده نوروز ۱۵ - بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر ملی و حماسه گرانقدر او شاهنامه و بنای آرامگاه مجلل و آبرومند وی برگزار کردن کنگره هزاره سرودن شاهنامه با شرکت رضا شاه و جمعی از خاورشناسان ایران و جهان - تهیه و نصب مجسمه های این شاعر بزرگ در طهران و مشهد و نامگذاری خیابانها و میدانهای متعدد بنام وی در سراسر ایران - تحقیق در شاهنامه و تجدید چاپهای متعدد از این حماسه بزرگ - توجه توده مردم ایران به یاد شاهان و پهلوانان مذکور در شاهنامه و نامگذاری ایرانیان فرزندان خود را بنام این پهلوانان ملی ۱۶ - تأسیس موزه ایران باستان و گرد آوری و نمایش آثار باستانی ایران در این موزه - کاوش های هیأت های حفاری و باستان شناسی ایرانی و غربی و تأسیس رشته "باستان شناسی" در دانشگاه طهران - تأسیس فرهنگستان زبان و ادب ایران - وضع و شناسائی و ترویج لغات و ترکیبات فارسی سره و جای گزین کردن آنها بجای لغات عربی. از دوره قاجاریه حرکتی برای سره نویسی و طرد لغات عربی از زبان فارسی آغاز شد که امروز هم طرفدارانی دارد.

### اقبال زردشتیان به امر بهائی

پس از ظهور حضرت بهاءالله به تدریج نفوس پاک طینت و صافی ضمیر که از دوره حضرت ربّ اعلی در انتظار ظهور موعود بودند، طبق بشارات کتب خود، حضرت بهاءالله را ظهور "شاه بهرام ورجاوند" شناختند.

این مردم پس از ایمان به امر بهائی با مسائلی مواجه بودند که حتی پدرانشان هیچگاه جواب آنها را از مؤبدان و دستوران خود نشنیده بودند، و اکنون که حیات روحانی جدیدی پیدا کرده بودند، این پرسش ها را که در حقیقت مسائل جامعه زردشتی بود طی عرایضی بحضور حضرت بهاءالله عرض میکردند. ایشان در الواح متعددی که خطاب به آنان مرقوم فرمودند این سؤالات را پاسخ دادند و نیز در الواح عمومی که خطاب به زردشتیان صادر کردند این قوم را به ظهور خود بشارت دادند و به آنان مژده دادند که دوران ذلت و خواری آنان پایان رسیده است. جمال مبارک در الواح احتیای پارسی با تعالیم و

دستورات خود آنان را که به مثابه طفل سَبَقِ خوان در دبستان عرفان بودند و از تعالیم بهائی اطلاع اندکی داشتند، تربیت و راهنمایی کردند و این امر در دوران میثاق ادامه یافت. این نفوس پاک دل به مرور پرورشی روحانی یافتند و به عمق ایمان و ایقان رسیدند و در سالهای بعد، در دوره میثاق بخدمتمانی شایسته به امرالله موفق شدند. تاکنون ۱۴ نفر از بهائیان از این قوم در ایران به شهادت رسیده اند. ۱۷

### مروری اجمالی بر مطالب الواح یاران پارسی

مسائل مندرجه در الواح یاران پارسی را میتوان اجمالاً به سه گروه بشرح زیر تقسیم کرد:

- ۱ - موضوعات مربوط به آئین زردشتی - بشارات مربوط به موعود آن آئین - مقام حضرت زردشت و معتقدات زردشتیان.
- ۲ - موضوعات کلی دینی و مسائل کلامی از قبیل: عدم امکان شناسائی ذات الهی - بهشت و دوزخ و پل صراط - معنی حقیقی آتش - رطوبت و برودت - صعود و نزول - حرکت و سکون - مجازات و مکافات - وحدت اساس ادیان - پیامبران، مرتبان عالم وجود - حالت روح بعد از مفارقت از بدن - مسئله وصایت - فقه اسلام - مراتب مختلفه انبیاء - عقاید مختلف در عالم وجود - عصمت کبری - حدوث و قدم و عالم ذر - مراتب مختلفه عقول - مقام خرد - عقل کلی و عقل جزوی - مژده ظهور کلی الهی - سنه تسع - عقاید هندوان - سلاطین و ملوک - ایمان بامرالله سبب حیات ابدی - عوالم حق و امر و خلق - اهل سنت و جماعت.
- ۳ - مسائل اخلاقی و روحانی - نظیر: اهمیت راستی و انصاف و داد و مروت و امانت - نکوهش حسد و آز و تعصب و اوهام - مذمت ظلم و اعتساف - خرق حجابات گذشته.

### برخی از مخاطبان الواح یاران پارسی

یکی از مخاطبان الواح مجموعه "یاران پارسی" (مانکجی لیمجی هاتریا) معروف به مانکجی صاحب است، که گرچه مؤمن نبود ولی دو لوح در جواب سؤالات وی نازل شده است. مانکجی در سال ۱۸۵۴ م در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار از طرف انجمن زردشتیان هندوستان برای رسیدگی به امور زردشتیان ایران که سالها مورد ظلم و ستم قرار گرفته و دادرسی نداشتند بایران اعزام شد. مانکجی در سال ۱۸۵۴ م (۱۲۷۰ ه.ق.) از بمبئی با کشتی عازم ایران شد و از بوشهر به شیراز و یزد رفت و در آن شهر "انجمن زردشتیان" را پایه ریزی کرد. وی پس از یکسال و دو ماه به کرمان رفت و در آن شهر به رسیدگی به امور زردشتیان پرداخت. وی در کرمان با "رحمت علی شاه" قطب دراویش نعمت الهی روابط دوستانه برقرار کرد و لقب "درویش فانی" از وی گرفت. ۱۸ مانکجی پس از دو ماه اقامت در کرمان عازم یزد شد، و پس از توقف کوتاهی در یزد، به طهران رفت. وی پنج سال و شش ماه در طهران توقف کرد و بارها با ناصرالدین شاه و علماء ملاقات کرد و روابط دوستانه برقرار کرد و اقدامات متعددی در جهت بهبود وضع اجتماعی زردشتیان انجام داد و پس از این مدت از طریق آذربایجان و کردستان و کرمانشاه به عراق عرب رفت. مانکجی در بغداد به حضور حضرت بهاءالله رسید و مورد عنایات مبارک قرار گرفت. سالها بعد، حضرت بهاءالله در لوحی که به خطاب به وی نازل کردند از آن ایام با خاطره ای خوش یاد نموده اند. ۱۹

مانکجی در این سفر با شیخ مرتضی انصاری هم ملاقات کرد و پرسش های ۱۴ گانه ای در مورد وضع زردشتیان ایران به او ارائه داد و جوابهای مساعدی از وی دریافت کرد. مانکجی پس از یکسال اقامت در بغداد به بمبئی رفت و گزارش اقدامات خود را به انجمن زردشتیان هندوستان ارائه کرد و در سال ۱۲۸۲ ه.ق. به ایران بازگشت. در کرمان با حاجی محمد کریم خان رئیس فرقه شیخیه ملاقات کرد و روابط صمیمانه با وی برقرار نمود. ۲۰ مانکجی در مراجعت به طهران به تأسیس مدرسه ای برای نوجوانان زردشتی که از یزد و کرمان با خود به طهران آورده بود پرداخت و از جناب ابوالفضائل برای تربیت این نوجوانان کمک گرفت. در آن ایام جناب ابوالفضائل که بواسطه ایمان به امرالله از ریاست مدرسه حکیم هاشم طهران محروم شده بود برای مدت چهار سال به دربار سمت منشی به استخدام مانکجی درآمد. از آنجائیکه مانکجی خواندن و نوشتن فارسی را نمیدانست، از وجود ایشان برای مکاتبه با و علماء و دیگران استفاده میکرد. نامه های متعددی به انشاء جناب ابوالفضائل از طرف مانکجی موجود است که با نثری روان و شیوا نوشته شده است. ۲۱

مانکجی مردی معارف پرور و پژوهشگر بود و سالها در هندوستان و سپس در ایران با پیروان مذاهب و مشارب مختلف از قبیل هندو، بودائی، برهمنائی، شیعه، سنی، شیخی، صوفی و امثالهم حشر و نشر داشت و از هر کدام مطلبی شنیده بود. در طهران ازلیان با وی تماس گرفته بودند و شبهاتی را بر وی القا نمودند. این مطلب در سالهای بعد مورد تأیید حضرت ولی امرالله قرار گرفت. ۲۲

وی همچنین در کرمان و پس از آن با حاجی محمد کریم خان کرمانی، رئیس فرقه شیخیه، که از دشمنان امر بابی و بهائی بود روابط صمیمانه داشت. ۲۳ مسلماً حاجی محمد کریم خان در ملاقات و روابط خود با مانکجی شبهاتی بر علیه امر بابی و بهائی بوی القاء نموده بوده است.

مانکجی سؤالاتی از زمینه های تئولوژی و عقاید و معتقدات فرق مذکور و نیز شبهاتی را که ازلیان و شیخیان بوی القاء کرده بودند طی سؤالاتی بحضور حضرت بهاءالله معروض داشت. حضرت بهاءالله در لوحی به اختصار و حکمت به سؤالات وی جواب مرقوم داشتند. مانکجی به آن لوح قانع نشد و مجدداً عریضه دیگری توسط ابوالفضائل بحضور جمال مبارک ارسال نمود و جوابهای مشروح درخواست کرد. حضرت بهاءالله در لوح دوم جوابهای مفصلی خطاب به ابوالفضائل مرقوم داشتند و چون از محتوای سؤالاتش متوجه القات ازلیان و شیخیان شده بودند، در اوائل آن لوح چنین مرقوم فرمودند: "اینکه در باره جناب فرزانه (مانکجی) علیه عنایت الله مرقوم داشتند حالت ایشان و ما عنده معلوم و واضح است و آنچه ارسال نموده اند شاهد و گواه ... " ص ۲۴. این بیان اشاره به سؤالاتی است که مانکجی تحت تأثیر القات مذکور عرض کرده بود.

حضرت بهاءالله در همین لوح خطاب به مانکجی از جمله مرقوم فرمودند: "امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید چه که امروز سلطان ظهور و مکلم طور ناطق، هر چه بفرماید اوست اساس متین از برای بناهای مداین علم و حکمت عالمیان" ص ۲۷. هیکل اطهر با این بیان به او گوشزد کرده اند که با ظهور جدید، امروز دیگر این عقاید و افکار کهن ارزشی ندارند و باید امروز به آنچه مظهر امر میگوید توجه کرد.

حضرت بهاءالله چنانکه در لوح دوم مانکجی مرقوم فرموده بودند امیدوار بودند وی موفق به ایمان شود و موجب ایمان دیگر زردشتیان گردد: "... آنچه برازنده ایشان است آن که پیشرو واقع شوند و جمیع فارسیان را آگاه نمایند و براه راست کشانند. این جامه بدیع نورانی انشاءالله موافق است از برای هیکل ایشان ... " ص ۲۴. ولی مانکجی، با اینکه از زمانی که در بغداد به ظهور حضرت بهاءالله

رسید و به هیکل اطهر ارادت وافر پیدا کرد و مورد عنایت ایشان قرار گرفت، بواسطه چند عامل موقف به ایمان نشد، که از جمله میتوان به بغض شدید همسرش به امر بهائی، ۲۴ موقعیت مانکجی در جامعه زردشتی، و القاء شبهات ازلیان و شیخیان اشاره کرد. آنچه که دکتر فریدانی در کتاب "دوستان راستان" در مورد ایمان وی نوشته اند درست به نظر نمیرسد. مانکجی تا آخر عمر با احباء حشر و نشر و روابط دوستانه داشت و از کمک به آنان دریغ نمیکرد، ولی چنانکه گفته شد موقف به ایمان نشد، و همانطور که روح الله محرانجانی نوشته است "محب امرالله باقی ماند". ۲۵

## مخاطبان دیگر

در میان مخاطبان شناخته شده الواح حضرت بهاءالله به مشاهیر احبای پارسی نژاد برمیخوریم که هر یک پس از ایمان به امرالله مظهر خدمت، صداقت، امانت، تقوی و تقدیس و اطاعت از احکام و اوامر الهیه بوده اند. البته الواح دیگری در این مجموعه وجود دارد که مخاطبان آنها شناخته نشده اند. از نفوسی که شناخته شده اند، از جمله باید به این افراد اشاره کرد:

### ملا بهرام اختر خاوری:

در سال ۱۲۷۵ ه.ق. در مریم آباد یزد در خانواده ای زردشتی زاده شد. در سالهای نوجوانی به زراعت مشغول بود. در جوانی به امرالله مؤمن شد و عاشقانه به تبلیغ امرالله و خدمت خالصانه پرداخت. در ضوضای یزد و واقعه شهادت شهدای آن شهر خدمات متعدد و شایان به احباء نمود و بارها مورد اذیت و آزار معاندین قرار گرفت. وی به هندوستان سفر کرد و پس از یکسال به یزد بازگشت و به خدمات سابق خود ادامه داد. خدمات گرانقدر ملا بهرام در دوره میثاق نیز ادامه یافت. وی چند سال به عضویت انجمن ناصری زردشتیان انتخاب شد ولی بعداً بواسطه مخالفت زردشتیان از این انجمن کناره گرفت، و برای دومین بار به هندوستان رفت و در آن اقلیم به تبلیغ زردشتیان پرداخت. ملا بهرام بعد از چند سال از هند به یزد بازگشت، و با وجود خدمات فراوان به وی، از طرف جلال الدوله، حاکم جبار یزد، مورد ظلم و ستم قرار گرفت. لاجرم به طهران رفت و مدت ۱۴ سال در تجارتخانه ارباب جمشید با کمال امانت و صداقت خدمت کرد. داستانهای متعددی از مراتب تقوی و تقدیس و امانت و دیانت ملا بهرام نقل شده است. وی در سال ۱۳۳۵ ه.ق. به حضور حضرت مولی الوری مشرف شد و مورد عنایات فراوان هیکل اطهر قرار گرفت. ملا بهرام چند سال نیز به عضویت محفل روحانی طهران انتخاب شد و به خدمت مشغول بود. عائله وسیعی تشکیل داد و اخلاف او به ایمان و خدمت به امرالله موقف شدند. ملا بهرام در سال ۱۹۳۳ در طهران صعود کرد. وی به دریافت چهار لوح از قلم جمال مبارک مفتخر شده که به شرح ذیل در مجموعه حاضر مندرج است ۲۶:

۱ - لوح شماره ۹ که با جمله "بنام گوینده پارسی - یا بهرام، روز دیدار آمد - آفتاب قد اتی الوهاب میگوید ...". گرچه در فهرست نام مخاطب برده نشده، ولی به احتمال قوی این لوح مبارک خطاب به ملا بهرام اختر خاوری است.

۲ - لوح شماره ۱۵ که با جمله "ذکر بهرام علیه بهائی را نموده مکرر اسمش از قلم اعلی نازل ... در فهرست نام مخاطب نیامده ولی محتملاً خطاب به ملا بهرام اختر خاوری است.

۳ - لوح شماره ۲۳ که با جمله "بنام خداوند دانا روز ندا مینماید و آفتاب مژده میدهد ... در فهرست به نام ملا بهرام ثبت شده است.



۴ - لوح شماره ۲۴ که با جمله " ... یا بهرام بامداد روز داد است ... " در فهرست به نام ملاً بهرام ثبت شده است.

#### استاد جوانمرد شیرمرد:

جوانمرد شیرمرد در یزد متولد شد. مانکجی وی را به طهران برد و چند سال تحت تربیت جناب ابوالفضائل به فرا گرفتن عربی و فارسی مشغول بود. در آنجا، غیر از ابوالفضائل، با دیگر احباء محشور شد و بذر امرالله در قلبش کاشته شد. سپس به یزد برگشت و به تأسیس مکتبی برای تدریس کودکان در منزل خود اقدام کرد. ضمناً به تنظیم قباله های زردشتیان میپرداخت. در یزد بوسیله دو نفر از مؤمنین اولیّه به امرالله مؤمن شد و عریضه ای متضمن ۷ سؤال به حضور حضرت بهاءالله معروض داشت، که در جواب به دریافت لوح مبارکی که به "لوح هفت پرشش" معروف است مفتخر شد. جمال مبارک در لوح مزبور به سؤالات وی پاسخ داده اند. این لوح مبارک که با جمله "به نام گوینده توانا ستایش پاک یزدان را سزاوار ... " آغاز شده به شماره ۴ در مجموعه "یاران پارسی" مندرج است. استاد جوانمرد شیرمرد پس از سالها تدریس و اداره مدارس پارسیان یزد در سال ۱۹۲۸ به سن ۸۵ سالگی صعود نمود. ۲۷

#### مهربان رستم بلبلان:

مهربان رستم بلبلان مردی ساده و بی آرایش بود و در دهات حومه یزد بزراعت اشتغال داشت. روزی دو نفر از بهائیان را که از بیم اشرار یزد فراری بودند، در طویله خود پناه داد. روز بعد تنها الاغی را که داشت بدنها بخشید تا بوسیله آن به ارض اقدس بروند و بزیرارت جمال مبارک فائز گردند. در آنجا نیز جمال مبارک لوحی به افتخارش نازل فرمودند. وی بامر مبارک مؤمن شد. در سالهای بعد به هندوستان هجرت کرد و در آنجا خانواده ای مؤمن و فعال تأسیس کرد. ۲۸ در مجموعه "یاران پارسی" لوح شماره ۱۰ خطاب به وی عزّ نزول یافته است. این لوح مبارک با این جمله آغاز میگردد: "بنام خداوند مهربان - ای مهربان، دوستی از دوستان یادت نمود، یادت نمودیم"

### الواح عمومی خطاب به زردشتیان

در مجموعه "یاران پارسی" شش لوح خطاب به عموم زردشتیان بدین شرح درج شده است:

- ۱- لوح شماره ۲ که با این جمله آغاز میگردد: "آغاز گفتار ستایش پروردگار است. ای بندگان، چشمه های بخشش یزدانی در جوش است، از آن ینوشید ..."
- ۲- لوح شماره ۶، که با جمله "روشنی هر نامه نام زنده پاینده بوده. ای بندگان، سزاوار آنکه در این بهار جانفزا ... " شروع میشود.
- ۳- لوح شماره ۱۲ که با این جمله شروع میشود: "بنام آنکه بیم از اوست و امید از او. نخستین گفتار کردگار اینست ..."
- ۴- لوح شماره ۱۷ که با این جمله آغاز میگردد: "اصحاب زردشت علیهم عنایت الله را از قبل مظلوم ذکر نما..."
- ۵- لوح شماره ۱۹ که با این جمله شروع میشود: "... ثم اعلم انا کتبنا لملّه المجوس الواحاً..."
- ۶- لوح شماره ۲۰ که با جمله "یا معشر زردشت اسمعوا النداء من شطر عکا. انه ارتفع بالحق من لدی الله" آغاز شده.

در مروری کلی بر مضامین عمده این گروه الواح عمومی به دو مطلب عمده برمیخوریم:

**مطلب اول:** اعلان ظهور کلی الهی و دعوت عموم زردشتیان به ایمان و اقبال به امرالله و عمل به اوامر و احکام است:

- "ای بندگان، چشمه های بخشش یزدانی در جوش است، از آن بنوشید... بیماری دوست یکتا از خاک تیره پاک شوید و بکوی دوست یگانه در آئید. از جهان بگذرید و آهنگ شهر جانان نمائید" ص ۲
- "اصحاب زردشت علیهم عنایت اله را از قبل مظلوم ذکر نما. انشاءالله از کوؤس بیان مقصود عالمیان که از قبل ارسال شد بیاشامند آنچه قلوب را از ماسوی اله فارغ و آزاد نماید" ص ۵۵

**مطلب دوم:** شامل این نکته مهم است که از آنچه طی سالیان دراز توسط مؤبدان و دستوران بدانان القاء شده و جز اوهام و حجبات نبوده، دست بردارند و گوش هوش به آنچه پزشک الهی برای علاج دردهای امروز آنان میگوید فرا دهند:

- "رگ جهان در دست پزشک داناست. درد را مبیند و به دانائی درمان میکند. هر روز را رازی است و هر سر را آوازی. درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر. امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید. دیده میشود گیتی را دردهای بیکران فرا گرفته و او را در بستر ناکامی انداخته. مردمانی که از باده خودبینی سرمست شده اند پزشک دانا را از او باز داشته اند. اینست که خود و همه مردم را گرفتار نموده اند. نه درد را میدانند نه درمان میشناسند. راست را کژ انگاشته اند و دوست را دشمن شمرده اند" ص ۲۰
- "ای دوستان، گفته های پیشینیان و چگونگی گذشتگان شایسته این روز فیروز نیست. مردمان را بیماری فرا گرفته. بکوشید تا آنها را به آن درمان که ساخته دست توانای پزشک یزدان است رهائی دهید." ص ۴۹

### علماء سوء - جهلای معروف به علم

حضرت بهاءالله در بیشتر الواح "یاران پارسی" بیاناتی عتاب آمیز خطاب به دستوران زردشتی مرقوم فرموده اند. این گروه در آثار مبارکه به "علماء سوء - جهلای معروف به علم - بظاهر آراسته و بیاطن کاسته" توصیف شده اند. مؤبدان زردشتی با وجود اینکه طبق اخبار کتب مقدسه خود از حقانیت ظهور حضرت بهاءالله مطلع شده بودند، به خاطر حب دنیا و ریاست ظاهره، با تمام قوی با ظهور جدید به مخالفت برخاستند و مردم را از اقبال به مظهر ظهور باز داشتند و با کسانی هم از زردشتیان که بامر بهائی ایمان آورده بودند شدیداً مخالفت کردند. ۲۹

مؤبدان زردشتی از آنجا که با هر گونه فکر جدیدی که ریاست آنها را به خطر میانداخت مخالف بودند، حتی با مانکجی صاحب که از طرف انجمن زردشتیان هندوستان به ایران آمده بود مخالفت و کارشکنی میکردند. آنها حتی برای یکی از زردشتیان روشنفکر بنام جناب ماستر خدابخش توطئه ای ترتیب دادند و ایشان را به قتل رساندند. ۳۰

برخی از آثار عتاب آمیز جمال مبارک خطاب به دستوران ذیلاً نقل میشود:

- "امروز روز فرمان و دستوری شما نیست، در کتاب شما گفتاری است که معنی آن اینست: دستوران در آن روز مردمان را دور مینمایند و از نزدیکی باز میدارند ... ای بنده

- یزدان، هر دستور که تو را از این نار که حقیقت نور و سر ظهور است دور مینماید، او دشمن تو است." ص ۶
- "بگو ای دستوران. به اسم من عزیزید و از من در گریز. شما دستوران دیوانید. اگر دستوران یزدان بودید با او بودید و او را میشناختید ... بگو ای کوران جهان پناه آمد. روز بینائی است." ص ۱۴
- "کردار دستوران مردمان را از کردگار دور نموده. بجای نیاز، آز نمودار. راه خدا را گم کرده اند. گمراهند و خود را دارای راه میدانند." ص ۱۸
- "یا کیخسرو! دستوران از نفحات وحی مقصود عالمیان محروم مشاهده میشوند. زخارف عالم ایشان را از تجلیات نیر اعظم منع نموده." ص ۵۲

## زبان الواح

بخش عمده الواح مبارکه مندرج در "یاران پارسی" به فارسی ساده (نه فارسی سره)، خالی از تعقید و پیچیدگی، در قالبی روان، شیوا و گوشنواز، بدون استفاده از لغات مهجور و دور از ذهن مرقوم گردیده است.

برخی از این آثار مبارکه با خطبه ای زیبا در ستایش پروردگار آغاز میگردد و سپس مطلب با جملات کوتاه و روان ادامه پیدا میکند:

- "ای بندگان. براستی میگویم راستگو کسی است که راه راست را دیده و آن راه یکی است، و خداوند آن را پسندیده و آماده نموده و این راه در میان راهها مانند آفتاب جهانتاب است در میان ستارگان. هر کس به این راه نرسیده آگاه نه و بی راه بوده. اینست سخن یکتا خداوند بی مانند." ص ۳
- "یا بهرام. روز دیدار آمد. امروز نور آفتاب حقیقت عالم را احاطه نموده، دریاها را گفتار دیگر است و دفاتر دانش را ذکر دیگر ... " ص ۱۶
- در برخی از الواح مبارکه جملات عربی آمده و در پایان بعضی از این آثار مبارکه مناجاتهای فارسی و عربی مرقوم گردیده است.

## لحن الواح

در الواح مبارکه مندرج در مجموعه "یاران پارسی" گاه در یک لوح به چند لحن متفاوت از قلم حضرت بهاءالله برمیخوریم. در مروری اجمالی حد اقل به شش لحن میتوان اشاره کرد که نمونه هائی از آنان نقل میشود:

### الف - لحن ابلاغ در دعوت

- "بگو ای دوستان راهنما آمد. گفتارش از گفتارها پدیدار و راهش میان راهها نمودار. راه، راه اوست، بیابید. گفتار، گفتار اوست، بشنوید ... " ص ۱۲
- "منم آفتاب بینش و دریای دانش. پژمردگان را تازه نمایم و مردگان را زنده کنم و منم آن روشنائی که راه دیده بنمایم و منم شاهباز دست بی نیاز که پر بستگان را بگشایم و پرواز بیاموزم ... " ص ۲۲

**ب - لحن تسلی بخش**

- "یا خسرو ندای الهی را از جمیع جهات بشنو. الحمدلله زمستان تیره ظلمانی گذشت و بهار رحمت رحمانی عالم را بطراز جدید مزین نمود." ص ۵۲

**ج - لحن بشارت دهنده و شادی بخش**

- "بی نیاز به آواز بلند میفرماید جهان خوشی آمده غمگین مباشید. راز نهان پدیدار شده اندوهگین مشوید..." ص ۷
- "روز ندا مینماید و آفتاب مژده میدهد و ماه بشارت میگوید ... آنها مژده میدهند و دریاها میرقصند و بیشه ها آخبار مینمایند ..." ص ۵۸

**د - لحن هشدار دهنده**

- "ای بندگان روز بنگاه دیوان است. خود را از نزدیکی او نگاه دارید. دیوان گمراهانند که در خوابگاه فراموشی با کردار تباه آرمیده اند..." ص ۴
- "اهریمنان در کمین گاهان ایستاده اند، آگاه باشید و بروشنی نام خداوند خود را از تیرگی ها آزاد نمائید..." ص ۱۴

**ه - لحن عتاب آمیز**

- "بگو ای دستوران. به اسم من عزیزید و از من در گریز. شما دستوران دیوانید. اگر دستوران یزدان بودید با او بودید و او را میشناختید ... بگو ای کوران جهان پناه آمد. روز بینائی است." ص ۱۴
- "بگو ای دستوران. از خواب برخیزید و از بیهوشی بهوش گرائید." ص ۱۸

**و - لحن نصیحت و دلالت**

- "بگو زبان گواه راستی من است، او را بدروغ میالائید و جان گنجینه راز من است، او را بدست آزمسپارید ..." ص ۲۲
- "ای فریدون. آسمان امر الهی به آفتاب امانت روشن است. به حبل امانت متمسک شود به ذیل صداقت متشبث ... انشاءالله به این مقام فائز شوی و بذکر دوست ناطق گردی" ص ۵۷

**مفاهیم استعاری در الواح مبارکه یاران پارسی**

حضرت بهاءالله در این آثار مبارکه حقایق روحانی را در قالب مفاهیم استعاری افراغ کرده اند و برای این منظور از مظاهر طبیعی مانند آفتاب، ماه، ستاره، بهار، ابر، باران، دریا، خاک، گل و چشمه استفاده نموده اند که ذیلاً نمونه هائی نقل میشود:

**آفتاب - خورشید (ظهور کلی الهی)**

- "ای بنده یزدان. آفتاب جهان جاودانی از مشرق اراده رحمانی در اشراق ... " ص ۷
- "بگو خورشید دانائی هویدا و آفتاب بینش پدیدار ... " ص ۱۰
- "بگو امروز آفتاب بینائی از آسمان دانائی هویدا ... " ص ۱۷
- "پرتو خورشید جهانگیر گیتی را روشن نمود ... " ص ۵۸

- بهار (آغاز ظهور جدید امر الهی)
- "ای بندگان. سزاوار آنکه در این بهار جانفزا از باران نیشان یزدانی تازه و خرم شوید." ص ۱۳
  - "ایام، ایام ربیع عنایت رحمانی است ... ص ۵۸"
  - "بهار رحمت رحمانی عالم را بطراز جدید مزین نمود..." ص ۵۹
  - آب، چشمه - آب زندگی - کوثر - دریا (ایمان به مظهر امر و تعالیم الهیه)
  - "به نیروی توکل و انقطاع قصد مقام اعلی نمائید و عباد را از کوثر زندگی محروم مسازید." ص ۲
  - "ای بندگان. هر که از این چشمه چشید، بزندگی پاینده رسید..." ص ۱۳
  - "... دریای دانائی پدیدار و آفتاب بینائی نمودار ... ص ۱۸"
  - "بگو ای مردگان. دست بخشش یزدانی آب زندگانی میدهد. بشتابید و بنوشید ... ص ۲۰"
  - "امید چنان است که در این بامداد که جهان از روشنی های خورشید دانش روشن است به خواست دوست پی بریم و از دریای شناسائی بیاشامیم." ص ۲۲
  - ابر - باران (تعالیم الهیه در ظهور جدید)
  - "امروز ابر بخشش یزدان میبارد و خورشید دانائی روشنی میبخشد و نچود راه مینماید." ص ۱۲
  - "سزاوار آنکه در این بهار جانفزا از باران نیسانی تازه و خرم شوید." ص ۱۳
  - آسمان (سراسر عالم وجود)
  - "بگو امروز که آسمان به آفتاب عنایت یزدان مزین است ... ص ۲"
  - فجر - بامداد (آغاز ظهور کلی الهی)
  - "این کوثر روحانی را به اسم سلطان ربانی در این فجر نورانی بنوش." ص ۶۰
  - "یا بهرام. بامداد روز داد است ... ص ۵۸"
  - زمستان (دوران ذلت و خواری و جهل و تعصّب)
  - "الحمد لله زمستان تیره ظلمانی گذشت ... ص ۵۹"
  - خاک (اوهام و تعلقات دنیوی و تعصبات جاهلیه)
  - "بیاری دوست یکتا از خاک تیره پاک شوید." ص ۲
  - گلزار (کلمه الله و تعالیم الهی)
  - "جهدی نما تا از گلزار معانی قسمت بری ... ص ۵۹"

## پایان سخن

با معیارهائی که صاحب نظران برای سخن فصیح و بلیغ فارسی قائل شده اند، بسیاری از الواح مندرجه در مجموعه "یاران پارسی" صادره از قلم جمال اقدس ابهی را صرف نظر از مفاهیم عالیّه روحانی آنها، تنها با توجه به زیبایی و فخامت قالب و فصاحت کلام، میتوان از شاهکارهای نثر زبان فارسی بشمار آورد. پایان سخن را به نقل نمونه ای از این دست از آثار مبارکه زینت میدهم تا مذاق جان خوانندگان شیرین گردد: "روشنی هر نامه نام زنده پاینده بوده - ای بندگان. سزاوار آنکه در این

بهار جان فزا از باران نیسان یزدانی تازه و خرم شوید. خورشید بزرگی پرتو افکنده و ابر بخشش سایه گسترده. با بهره کسی که خود را بی بهره نساخت و دوست را در این جامه بشناخت. بگو ای مردمان چراغ یزدان روشن است. آنرا به بادهای نافرمانی خاموش نمائید. روز ستایش است، به آسایش تن و آرایش جان مپردازید. اهریمنان در کمین گاهان ایستاده اند. آگاه باشید و به روشنی نام خداوند یکتا خود را از تیرگی ها آزاد نمائید. دوست بین باشید، نه خود بین. بگو ای گمراهان. پیک راستگو مژده داد که دوست می آید. اکنون آمد. چرا افسرده آید. آن پاک پوشیده بی پرده آمد، چرا پژمرده آید ... ص ۱۳

### کتاب شناسی

- ۱- حضرت بهاءالله - "یاران پارسی" - مجموعه الواح مبارکه جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء به افتخار یاران پارسی - مؤسسه ملی مطبوعات امری آلمان - چاپ اول ۱۹۹۸ م.
- ۲- عزیزالله سلیمانی اردکانی - "مصایح هدایت" - جلد چهارم - مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران - چاپ دوم - ۱۱۸ بدیع - طهران.
- ۳- عزیزالله سلیمانی اردکانی - "مصایح هدایت" - جلد دهم - تکثیر یاران ایران - طهران.
- ۴- روح الله مهربانخانی - زندگانی ابوالفضائل گلپایگانی - لجنه ملی نشر آثار امری آلمان - چاپ دوم ۱۹۹۸ م.
- ۵- عنایت خدا سفیدوش - "تنی چند از پیشگامان پارسی نژاد" - مؤسسه معارف بهائی کانادا - ۱۹۹۹ م.
- ۶- دکتر سهراب فریدانی - "دوستان راستان" - تاریخ و خدمات بهائیان پارسی - مؤسسه مطبوعات امری آلمان - ۲۰۰۲ م.
- ۷- تورج امینی - "اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران" - سازمان اسناد ملی ایران - طهران ۱۳۸۰ ش.
- ۸- جهانگیر اشیدری - "تاریخ پهلوی و زرتشتیان" - طهران.
- ۹- شهردان رشید - "اوضاع اجتماعی زرتشتیان ایرانی در یک قرن حاضر" - مجله هوخنت.
- ۱۰- آذرگشسب مؤبد اردشیر - "مراسم مذهبی و آداب زردشتیان" - دیماه ۱۳۲۵.
- ۱۱- دکتر نصرت الله محمد حسینی - تاریخ امر بهائی در قم - آلمان - عصر جدید (در دست انتشار)
- ۱۲- ادوارد ج. براون - "یکسال در میان ایرانیان" - ترجمه ذبیح الله منصوری - کانون معرفت - طهران.

### یادداشت ها

- \* - کلیه شماره صفحاتی که در پایان نصوص در این مقاله آمده مربوط به مجموعه الواح خطاب به یاران پارسی است.
- ۱- مجمل این گفتار در بیست و یکمین دوره مجمع عرفان (جون ۱۹۹۹) در مرکز مطالعات بهائی - اکوتو - ایتالیا ایراد شده است.
- ۲- تاریخ پهلوی و زردشتیان ص ۲۲۵.
- ۳- مأخذ بالا.

- ۴ - مأخذ بالا.
- ۵ - یکسال در میان ایرانیان.
- ۶ - پیشگامان ص ۱۵.
- ۷ - پیشگامان ص ۱۰.
- ۸ - پیشگامان ص ۱۲.
- ۹ - پیشگامان ص ۱۱.
- ۱۰ - پیشگامان ص ۱۲.
- ۱۱ - "داستان راستان" ص ۳.
- ۱۲ - "اوضاع اجتماعی زردشتیان" ص ۲۸ و نیز "اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران" ص ۳۰۸.
- ۱۳ - پیشگامان ص ۱۵.
- ۱۴ - مراسم مذهبی و آداب زردشتیان - ص ۱۰۴.
- ۱۵ - در اسلام مُشترَعانی چون امام محمد غزالی برگزاری جشن نوروز را بعنوان اینکه "از آداب گبران" است مذموم دانسته اند. حضرت اعلی در کتاب مستطاب بیان و حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس و الواح متعدد نوروز را "یوم البهاء من شهر البهاء" منسوب به من یظهره الله دانسته اند و آن را عید صیام و عید نوروز و آغاز تقویم بدیع و از ایام محرمه تسعه شمرده اند و از این روز که "نفحة حیات بر جمیع ممکنات میوزد" تجلیل فراوان کرده اند. امروز عید نوروز و صیام در جوامع بهائی سراسر جهان جشن گرفته میشود و به عبارتی از جنبه ملی خارج شده و جنبه بین المللی پیدا کرده است.
- ۱۶ - حضرت عبدالبهاء به یکی از زائرین (میرزا حبیب الله سلمان پور از شیراز) فرموده بودند اسامی کودکان خود را بنام پادشاهان و پهلوانان ایران باستان نامگذاری کنند (روایت شفاهی دکتر منوچهر سلمان پور، فرزند ایشان).
- ۱۷ - برای اطلاع از شرح حال و خدمات مشاهیر اجتای پارسی نژاد از جمله میتوان به پیشگامان پارسی نژاد - دوستان راستان - مصابیح هدایت، مجلدات چهارم و دهم - تاریخ امر بهائی در قم - مراجعه کرد.
- ۱۸ - "اسنادی از زرتشتیان ایران" ص ۵.
- ۱۹ - پیشگامان ص ۲۶.
- ۲۰ - "اسنادی از زرتشتیان ایران" ص ۷.
- ۲۱ - "اسنادی از زرتشتیان ایران" ص ۱۲ (در این کتاب از ص ۴۱ به بعد نامه های متعددی از ابوالفضائل مندرج است).
- ۲۲ - "دوستان راستان" ص ۱۰.
- ۲۳ - "اسنادی از زرتشتیان ایران" ص ۷.
- ۲۴ - در این مورد به "دوستان راستان" ص ۴۹ رجوع شود.
- ۲۵ - "زندگانی میرزا ابوالفضائل گلپایگانی" ص ۵۹.
- ۲۶ - برای اطلاع از شرح حال مفصل ملأ بهرام اختر خاوری میتوان به "مصابیح هدایت" جلد ۱۰، "تنی چند از پیشگامان پارسی نژاد" و "دوستان راستان" مراجعه کرد.

- ۲۷ - برای اطلاع از شرح حال مفصل استاد جوانمرد شیرمرد میتوان به "مصایح هدایت" جلد ۱۰، "تنی چند از پیشگامان پارسی نژاد" و "دوستان راستان" مراجعه کرد.
- ۲۸ - برای اطلاع از شرح حال مفصل مهربان بلبان به کتاب "تنی چند از پیشگامان پارسی نژاد" مراجعه شود.
- ۲۹ - "دوستان راستان" ص ۲۰.
- ۳۰ - "دوستان راستان" ص ۵۷.